

ابراهیم سلطان

بانی مجموعه دارالصفای شیراز

ابراهیم سلطان (۷۹۶-۸۳۷ق)، پسر شاهرخ تیموری، در خوشنویسی شاگرد پیرمحمد شیرازی و در کتابت قلمهای ششگانه پیرو شیوه یاقوت مستعصمی بود.^۱ درباره مهارت او در خوشنویسی گفته‌اند که به تقلید از یاقوت چنان می‌نوشت که کسی توان تشخیص آن را نداشت.^۲ آوازه او در هنر پروری و حمایت و جلب هنرمندان نیز کمتر از شهرتش در خوشنویسی نیست. حکایتهایی فراوان از او در حمایت و تشویق هنرمندان نقل کرده‌اند.^۳

در تاریخ‌نامه‌ها، به نحوی مبهم و پراکنده، ساخت دو مدرسه دارالصفای و دارالایتام را در شیراز به او نسبت داده‌اند. از علل شهرت این دو مدرسه کتیبه‌هایی است که او برای این دو بنا، به ویژه دارالصفای، نوشته است؛ زیرا در هر جا که از مهارت ابراهیم سلطان در خوشنویسی و کتیبه‌نگاری سخنی رفته است از کتیبه‌های این بنا یاد کرده‌اند.^۴ از اینجا دو گمان پیش می‌آید: یا کتیبه‌های این بنا سخت هنرمندانه نوشته شده؛ یا این مدرسه در شیراز یا دست‌کم در میان هنرمندان و تاریخ‌نگاران بسیار مهم بوده است.

این دو مدرسه از این جهت نیز شایان توجه است که از محدود بناهایی است که ابراهیم سلطان در شیراز ساخت. هرچند از نقش او در ساخت یا بازسازی چند بنای دیگر در شیراز یاد کرده‌اند.^۵ گویا مدرسه دارالصفای اهمیتی بیشتر داشته است؛ زیرا ابراهیم سلطان را در آنجا دفن کردند.^۶

مدرسه دارالصفای را در سال ۸۲۳ق در سرپل جگتم^۷ پی افکندند.^۸ عده‌ای از نقش طوطی بیگم، مادر ابراهیم سلطان، نیز در ساخت این دو مدرسه یاد کرده‌اند.^۹ شاید به همین علت مدرسه دارالایتام را مدرسه بیگم می‌خواندند؛ چنان‌که در *احسن التواریخ* ذیل حوادث سال ۹۰۸ق آمده است:

هم در این سال [۹۰۸ق] مولانا جلال‌الدین محمد دوانی، ولد مولانا سعد‌الدین اسعد، بعد از صدارت در مدرسه بیگم که حالا دارالایتام می‌گویند به لوازم درس قیام می‌نمود.^{۱۰}

هم اکنون نسخه‌هایی در دست است که در این مدرسه کتابت شده و در انجمنه آنها محل کتابت را مدرسه بیگم نوشته‌اند. نسخه‌های *التذهیب فی شرح التذهیب*، نوشته به سال ۸۵۸ق و محفوظ در بنیاد شرق‌شناسی

به گفته برخی از تاریخ‌نگاران، ابراهیم سلطان، فرزند شاهرخ تیموری، در مدت حکمرانی‌اش بر شیراز، مدارس دارالصفای و دارالایتام را در آنجا ساخت. این دو مدرسه در دوره صفویه ویران شد و آگاهیهای ناچیزی درباره آنها به دست ما رسیده است. هم اکنون جزوی از مصحفی در دست است که ابراهیم سلطان آن را به سال ۸۲۹ق بر خانقاه دارالصفای سلطانی شیراز وقف کرده است. بر حاشیه دو صفحه از آن مهر دارالصفای نقش بسته است. این وقف‌نامه هم از محل استقرار دارالصفای خیر می‌دهد و هم از اینکه دارالصفای نه مدرسه‌ای ساده، بلکه مجموعه‌ای مشتمل بر خانقاه و مدرسه و احتمالاً بناهایی دیگر بوده است. با تطبیق آگاهیهای کسب‌شده می‌توان درباره این مجموعه حدسهایی زد و آن را در برخی ویژگیها همچون ربع رشیدی و مدرسه اخلاصیه هرات دانست.

فرهنگستان شوروی سابق در لنینگراد (سن پترزبورگ)؛^{۱۱} شفاء، نوشته به سال ۸۸۰ق؛ تهافت الفلاسفه، نوشته به سال ۸۹۹ق؛ شواکل المحور فی شرح هیاکل النور، نوشته به سال ۹۰۳ق و محفوظ در کتابخانه ملی ملک از آن جمله است.^{۱۲}

از این دو مدرسه اکنون چیزی برجا نیست؛ زیرا یعقوب ذوالقدر، والی فارس در زمان صفویه، در ۹۹۹ق بر شاه عباس اول صفوی شورید و در خلال آماده شدنش برای جنگ، این دو بنا را ویران و از مصالحش برای ساخت قلعه‌ای برای مقابله با شاه عباس استفاده کرد.^{۱۳} در نتیجه، این دو مدرسه با کتیبه‌هایش از بین رفت.

در موزه شاه چراغ شیراز، پاره پنجاهم از مُصْحَفِی شصت پاره نگهداری می‌شود^{۱۴} که در وقف‌نامه‌اش نوشته‌اند که این مصحف را ابراهیم سلطان تیموری^{۱۵} در سال ۸۲۹ق بر خاتقاه دارالصفای سلطانی شیراز وقف کرد. متن وقف‌نامه را، به خط توقیع به قلم سیاهی و بدون تزئین، در ظهر نسخه چنین نوشته‌اند:

وقف المولی السلطان الاعظم اعدل / سلاطین العالم مغیب
الدنیا و الدین ابوالفتح / ابرهیم سلطان خلد الله ملکه و
سلطانہ مدی الملوان / هذا الجز المبارک من مصحف المجید
الم تبرک و ما قبله و ما بعده تتمه الستین علی خاتقاه
الشریفة لحضرتہ / العلیہ المسماة بدارالصفاء الکائنة بمخارج
درب / اصطرخ من شیراز وفقاً شرعياً لیتلی منه فیها
[...]/ [...] و اجره علی الله تعالی و کتب فی رجب / سنة
تسع و عشرين و ثمانمائة هجرية

همچنین بر حاشیه دو صفحه از این مصحف مهری با این نوشته به رنگ شنجرف نقش بسته است: «وقف دارالصفای [ی] سلطانی شیراز».

در متن وقف‌نامه از محل استقرار دارالصفاء یاد شده است: «مخارج درب اصطرخ من شیراز». دروازه یا درب استخر همان دروازه اصفهان کنونی شیراز است که زمانی مقبره خانوادگی آل بویه در آنجا بوده و اکنون به مدفن علی بن حمزه مشهور است.^{۱۶} بنا بر این، محدوده مکان استقرار این مدرسه تا حدی مشخص می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت «سرپل جگنم» نیز، که نشانی دقیق تری از محل مدرسه دارالصفاست، در همین محدوده بوده است.

ابراهیم سلطان کتیبه‌های در و ضریح مقبره علی بن

وقف المولی السلطان الاعظم اعدل
سلاطین العجالمغیب الدنیا و الدین ابوالفتح
ابرهیم سلطان خلد الله ملکه و سلطانہ مدی الملوان
هذا الجز المبارک من مصحف المجید الم تبرک و ما قبله و ما
بعده تتمه الستین علی خاتقاه الشریفة لحضرتہ
العلیة المسماة بدارالصفاء الکائنة بمخارج
درب / اصطرخ من شیراز وفقاً شرعياً لیتلی منه فیها
[...]/ [...] و اجره علی الله تعالی و کتب فی رجب
سنة تسع و عشرين و ثمانمائة هجرية

حمزه را نیز نوشته است. همچنین بر سردر این بنا از طرف درون، کتیبه‌ای سنگی به رقم ابراهیم سلطان نصب است. محل نامتعارف نصب این کتیبه و تناسب نداشتن اندازه‌اش با دیوار این گمان را پیش می‌آورد که کتیبه را بعداً در اینجا نهاده باشند. آیا ممکن است که این کتیبه در اصل از آن مدرسه دارالصفاء بوده باشد؟

از نکاتی دیگر که از متن این وقف‌نامه به دست می‌آید اینکه مدرسه دارالصفاء نیز، همچون مدارس مهم آن زمان، مجموعه‌ای دینی و علمی بوده است؛ زیرا این مصحف را بر خاتقاه دارالصفاء وقف کرده‌اند. گویا خاتقاه و مدرسه، و احتمالاً برخی بناهای مربوط دیگر همچون مسجد یا دارالحفاظ، را در مجموعه‌ای به نام دارالصفای سلطانی ساخته بودند. گمان می‌رود لقب «سلطانی» را نیز در ارتباط با ابراهیم سلطان به نام این مکان افزوده

باشند؛ زیرا پیش از آن در شیراز و یزد نیز مدارس
به نام دارالصفاء بدون لقب سلطانی، بوده است.^{۱۷} مدرسه
و خانقاه دارالصفاء از نظر اهمیت و نقش امیری در
بنیان‌گذاری‌اش یادآور ربع رشیدی تبریز در حدود یک
قرن پیش از آن و اخلاصیه و خلاصیه هرات در حدود
هفتاد سال بعد از آن است. مدرسه اخلاصیه و خانقاه
خلاصیه را، که به ترتیب محل آموزش و تهذیب در هرات
قرن نهم بود، امیر علی شیر نوایی در کهن‌سالی متأثر از
ربع رشیدی ساخت.^{۱۸} اگر فرضی که درباره دارالصفاء
گفته شد قابل بحث باشد، باید گفت که سال ۸۲۳ق، سالی
که دارالصفاء را در شیراز بنیاد نهادند، همان سالی است
که ابراهیم سلطان مراغه را تسخیر کرد؛^{۱۹} و شاید فکر
ساختن دارالصفاء از دیدن ربع رشیدی تبریز در همان سفر
نشست گرفته باشد. □

کتاب‌نامه

- آل داود، سیدعلی. «ابراهیم سلطان»، در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*.
افشار، ایرج و محمدتقی دانش یزوه. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی*
ملک، تهران، کتابخانه ملی ملک، ۱۳۵۲، ج ۱.
بیانی، مهدی. *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران، علمی، ۱۳۶۳، ج ۴.
هر روزی، علی‌تقی. *فهرست کتب خطی کتابخانه شاهچراغ*، شیراز،
مصطفوی، ۲ ج.
حسن‌بیک روملو. *احسن‌التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران،
بانک، ۱۳۵۷، ج ۱۲.
خواندمیر، حبیب‌السیر. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۶۲.
خوب‌نظر، حسن. *تاریخ شیراز*، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران،
سخن، ۱۳۸۰.
دولت‌شاه سمرقندی. *تذکره*، تهران، پدیده، ۱۳۶۶.
ریشارد، فرانسیس. «نصیرالدین سلطانی، نصیرالدین مذهب و کتابخانه
ابراهیم سلطان در شیراز»، ترجمه سیدمحمد مرعشی، در: *نامه بهارستان*،
ش ۵ (۱۳۸۳)، ص ۱۳۱-۱۴۰.
شجاع‌انیس‌الناس، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر
کتاب، ۱۳۵۰.
صحراگرد، مهدی. *مصحف روشن*، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
فصیح‌خوئی. *جمعل فصیحی*، تصحیح محمود فرخ، مشهد، کتاب‌فروشی
باستان، ۱۳۳۹.

قاضی احمد قمی. *گلدستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران،
منوچهری، ۱۳۸۳.

_____ . *خلاصه‌التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه
تهران، ۱۳۶۳، ج ۲.

کاتب یزدی، احمد بن حسین. *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار،
تهران، فرهنگ ایران زمین، ۲۵۲۷.

کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به کوشش
عبدالحسین نوایی، تهران، طهوری، ۱۳۵۳.

مایل هروی، نجیب. *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های
آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.

_____ . *تاریخ نسخه‌برداری و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*،
تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

محمدیوسف واله اصفهانی. *خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)*، به
کوشش هاشم محدث، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹.

عمود بن محمد. «قوانین المخطوطه» در: *نجیب مایل هروی*، کتاب *آرایی*
در تمدن اسلامی.

مصطفی عالی افندی. *مناقب هنروران*، تهران، سروش، ۱۳۶۱.

منصوری، فیروز. *فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری و*
تقد و بررسی گلدستان هنر، تهران، گستره، ۱۳۶۶.

میرزا حسن حسینی فسائی، *فارسنامه ناصری*، ج ۲، تصحیح منصور
رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

میرخواند، *تاریخ روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء*، تصحیح
جمشید کیان‌فر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

هفت‌قلمی دهلوی، غلام‌محمد. *تذکره خوشنویسان*، تهران، روزنه، ۱۳۷۳.

یعقوب بن حسن سراج شیرازی. *تحفة‌الحبیبین*، به کوشش کرامت
رعناحسینی و ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب و نقطه، ۱۳۷۶.

Lentz & Lowry. *Timur And The Princely Vision, Persian art and Culture in the 15th Century*, Losageles & Washington D.C., 1989.

Sims, Eleanor. "Ibrahim Sultan's Illustrated Zafarname of 1436 and Its Impact in the Muslem East", in: Lisa Glombek et Maria Sabtelny (eds.), *Timurid Art And Culture in Fifteenth Century* (supplement to *Muqarnas*, VI), Leiden, pp. 132-143.

پی‌نوشتها:

۱. قاضی احمد قمی، *گلدستان هنر*، ص ۲۹؛ مهدی بیانی، *احوال و آثار خوشنویسان*، ص ۱۰۱۴؛ فرانسیس ریشارد، «نصیرالدین سلطانی، نصیرالدین مذهب و کتابخانه ابراهیم سلطان در شیراز»، ص ۱۳۲.
۲. مصطفی عالی افندی، *مناقب هنروران*، ص ۴۹؛ دولت‌شاه سمرقندی، *تذکره*، ص ۲۸۷؛ محمد هفت‌قلمی دهلوی، *تذکره خوشنویسان*، ص ۴۶.

۳. مثلاً شرف‌الدین علی یزدی *ظفرنامه* را به دستور و حمایت او نوشت؛ حافظ ابرو *زبدة التواریخ* را پس از مرگ بایسنقر نزد ابراهیم سلطان نوشت؛ کمال‌الدین بن غیاث شیرازی ناظم دیوان و نیز حاجی منصور، که *نهی‌نامه* به او منسوب است، در مرکز هنری شیراز فعالیت می‌کردند؛ شخصی به نام شجاع کتابی به نام *انیس الناس* را برای کتابخانه ابراهیم سلطان نوشت. همچنین است حکایتهایی چون انتقال کتیبه عبدالله صفری از بنای در تبریز به شیراز در قاضی احمد قمی، همان، ص ۲۴؛ درخواست ستاندن یوسف اندکافی که در گویندگی و مطرب استاد بود در ازای صدهزار درهم از بایسنقر در دولت‌شاه سمرقندی، همان، ص ۲۶۴.

۴. نک: قاضی احمد قمی، همان، ص ۳۰؛ محمود بن محمد، «قوانین المخطوط»، ص ۳۱۱؛ یعقوب بن حسن سراج شیرازی، *تحفة المحبین*، ص ۱۴۱. محمدیوسف واله اصفهانی، *خلد برین*، ص ۵۲۲. مثلاً سراج شیرازی در *تحفة المحبین* می‌گوید: «در ایام سلطنت [...] مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان [...] که در اقسام خط به تخصیص قلم کتایت اعجوبه عصر خود بلکه یگانه روزگار بود و نتایج اقلام پراعت‌لنمایش از صفایح اوراق مصاحف و در اوج لطافت دتار و صفحات در دیوار عمارات خوانق و مدارس دارالملک شیراز به تخصیص دارالصفای سلطانی که از مستحدمات معمار همت آن سلطان مرحوم است ...»

۵. مثلاً باغی در شیراز که به وثاق شاه منصور مشهور بود. نک: عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ص ۲۷۲. همچنین است تعمیری که در خدای‌خانه مسجد جامع شیراز کرده است و نیز کتیبه‌هایی که برای برخی بناها همچون مقبره سعدی نوشته است. نک: قاضی احمد قمی، همان‌جا.

۶. قاضی احمد قمی، همان، پانوشت ص ۳۱ (افزوده مصحح).

۷. این مکان بر نگارنده شناخته نشد؛ اما کمی پیش‌تر، در شیراز جایی بود که آن را «چهارراه چه کم؟» می‌خواندند. شاید «جکنم» مصحف «جکنم» باشد.

۸. فصیح خوانی، مجمل فصیحی، ص ۲۴۴.

۹. محمود بن محمد، همان‌جا.

۱۰. حسن بیک روملو، *احسن التواریخ*، ج ۱۲، ص ۹۸. نظیر این مطلب درباره مدرسه بیگم در حبیب‌السیر نیز آمده است. نک: خواندمیر، *حبیب‌السیر*، ج ۴، ص ۵۹۱. گفتنی است فیروز منصوری در پی جمعی خواندن گفته‌های قاضی احمد قمی در گلستان هنر، درباره این دو مدرسه بر اساس مطلب یاد شده در *حبیب‌السیر* مدرسه بیگم را «مدرسه مجده» ملک خاتون دختر محمودشاه دانسته است؛ در حالی که شواهد برای اینکه آن را مدرسه دارالایتم بدانیم بیشتر است. نک: فیروز منصوری، *فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم و نقد و بررسی گلستان هنر*، ص ۳۲. پانوشت.

۱۱. به نقل از همان‌جا.

۱۲. ویژگی این نسخه‌ها چنین است: نسخه *شفاء* ابن سینا به خط نسخ متمایل به نستعلیق، با ۱۹۶ برگ و ۳۱ سطر در اندازه ۲۶/۲ × ۱۸/۳، تاریخ کتابت: جمادی الاول ۸۸۰ق؛ *تهافت الفلاسفة* مصلح‌الدین مصطفی بن صالح خواجهمزاده برسوی رومی، به خط نستعلیق، ۱۱۸ برگ در اندازه ۱۷/۵ × ۹/۷س، تاریخ کتابت: ۲۷ رجب ۸۹۹ق؛ *شواکل المحورق* شرح *هیائل النور* محمد دوانی، به خط نستعلیق فرید بن نورالدین بن اوحد بن فرید، ۹۶ برگ در اندازه ۱۷/۷ × ۱۰/۳س، تاریخ کتابت: ۳ ربیع‌الثانی ۹۰۳ق. نک: ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۱، ص ۱۸۳ و ۴۶۴. همچنین نام این نسخه‌ها در *فیروز منصوری*، همان‌جا آمده است.

۱۳. قاضی احمد قمی، *خلاصه التواریخ*، ص ۶۷. این مطلب در این کتابها نیز آمده است: حسن خوب‌نظر، *تاریخ شیراز*، ص ۷۱۱؛ میرزا حسن حسینی فسائی، *فارسنامه ناصری*، ص ۱۲۳.

۱۴. مشخصات ظاهری این نسخه چنین است: متن به خط نسخ، اندازه جلد ۲۳ × ۱۷س، ۱۳ برگ، در هر صفحه ۷ سطر، ۲ صفحه

نخست آن مذهب و مرصع است و در هر صفحه ۳ سطر دارد. برای آگاهی بیشتر و دیدن تصاویر آن، نک: مهدی صحراگرد، *مصحف روشن*، ص ۱۶۵-۱۷۲. این مصحف در: علی‌نقی بهروزی، *فهرست کتب خطی کتابخانه شاهچراغ*، ص ۱۵۳، ذکر شده است.

۱۵. از آنجا که این مصحف تحت حمایت و به سفارش ابراهیم سلطان تهیه شده است می‌توان آن را به سیاهه آثار کتابخانه ابراهیم سلطان که چند تن از محققان تهیه کرده‌اند افزود؛ یعنی سیاهه‌ای که لنتس و لوری در *Timur and the Princely Vision*

تهیه کردند از آثار تولیدشده تحت حمایت ابراهیم سلطان در شیراز و پس از آن سیمز در

“ibrahim sultan’s illustrated zafarname of 1436 and its impact in the muslim east”

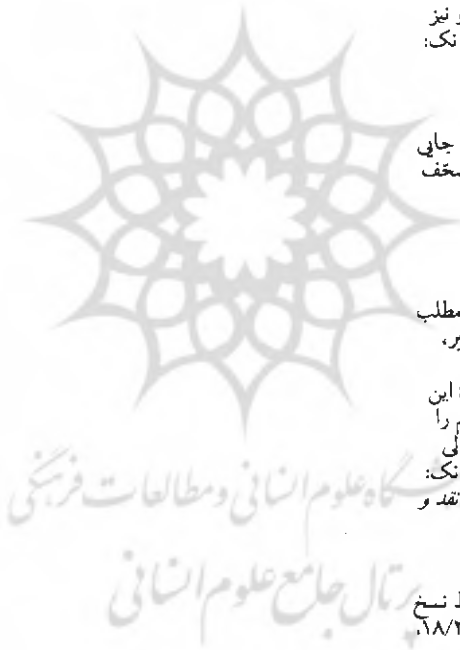
نسخه‌هایی را به این فهرست افزود. فرانسویس ریشار نیز در «نصیرالدین سلطانی، نصیرالدین مذهب و کتابخانه ابراهیم سلطان در شیراز» این سیاهه را کامل‌تر کرد.

۱۶. خوب‌نظر، همان، ص ۱۱۲.

۱۷. نک: احمدین حسین کاتب یزدی، *تاریخ جدید یزد*.

۱۸. مایل هروی، *تاریخ نسخه‌برداری و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، ص ۱۱۲ و ۵۸۶.

۱۹. سیدعلی آل داود، «ابراهیم سلطان»، ص ۵۱۲.



مجله علمی-تخصصی
گنجینه علمی-تخصصی
پرتال جامع علوم انسانی